

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیّه	پیاپی‌سازی

ورود کاروان حسینی علیه السلام به کربلا

کلمات کلیدی: دوم محرم، ورود، کربلاء، امام حسین علیه السلام، قتلگاه، مشیت، سرنوشت، دنیا، دین، بلا، عزاداری، ملائکه، محبت تکوینی، همراهی، مقام موت.

روز دوم ماه محرم سال شصت و یکم هجری که پنجشنبه هم بوده، روز ورود اباعبدالله الحسین علیه السلام و اهل بیت و اصحاب کرام آن بزرگوار به کربلا بود. بنا به روایاتی که وجود دارد حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام این موضوع را که شهادتگاه آن حضرت کربلا خواهد بود، از قبل در مکه اعلام کردند. حضرت در یک سخنرانی در مکه فرمودند: **كَانِي وَ اَوْصَالِي يَتَقَطَّعُهَا عُسْلَانُ الْفُلُوتِ بَيْنَ النَّوَائِيسِ وَ كَرْبَلَاءَ فَيَمْلَأَنَّ مِنِّي اَكْرَاشًا جَوْفًا وَ اَجْرِيَّةً سُعْبًا لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ؛**^۱ گویا من می‌بینم که این گرها و حیوانات درنده‌ی بیابان، بین نوایس و کربلا مرا تکه تکه می‌کنند. کربلا دهی بوده و نوایس هم ظاهراً قبوری بوده مورد احترام مسیحیان، که دشت کربلا بین این دو منطقه واقع است. فرمودند: گویا می‌بینم که این حیوانات درنده‌ی بیابانی بین نوایس و کربلا بدن مرا تکه تکه می‌کنند و شکنجه‌های خودشان را از قطعات بدن من پر می‌کنند؛ انبان تهی خودشان را که گرسنه‌اند از قطعات بدنم پر می‌کنند. بعد فرمودند: **لَا مَحِيصَ عَنْ يَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ؛** هیچ مفری نیست از آن سرنوشتی که قلم

۱. جَوْفًا: واسعُ الْجَوْفِ.

۲. ابن‌نماحلی، مشیرالاحزان، ص ۴۱ و خوارزمی، مقتل، ج ۲، ص ۸ و حائری، تسلية المجالس، ج ۲، ص ۲۷۶.

مشیت آن را رقم زده؛ هیچ راه گریزی وجود ندارد؛ این اتفاق واقع خواهد شد. خب طبیعتاً مقصود از این گرگ‌های درنده همین سپاهیان عمرسعدند که پیکر مطهر اباعبدالله‌الحسین علیه السلام را آن‌طور مورد حمله قرار دادند.

به‌رحال خواستم عرض کنم که حضرت از پیش اطلاع داده بودند که کربلا سرزمین شهادت آن بزرگوار خواهد بود و این اخبار بارها قبل از این هم رخ داده بود. خاطرتان هست، بنا به آنچه در متون تاریخی نقل شده، وقتی که امیرالمؤمنین علیه السلام و حسنین علیهم السلام از جنگ برمی‌گشتند، از سرزمین کربلا عبور کردند، البته نقل‌های مختلفی است، یک نقل این است که امیرالمؤمنین علیه السلام به خواب رفتند و بعد با حالتی متوحش بیدار شدند و گریستند و خبر دادند که این سرزمین محلّ شهادت اباعبدالله‌الحسین علیه السلام است. خود امام حسین علیه السلام آنجا این خبر را از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدند. حتی قبل از آن در زمان خود رسول‌الله صلی الله علیه و آله و سلم هم، پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم خبر دادند که سرزمین کربلا محلّ شهادت اباعبدالله علیه السلام است و یک مقدار از خاک کربلا را به امّسلمه دادند و بنا به آنچه نقل شده، فرمودند: هر وقت این خاک به خون تبدیل شد بدان که فرزندم حسین را در کربلا به شهادت رساندند. امّسلمه می‌گوید روز عاشورا این اتفاق افتاد و این خاک به خون تبدیل شد.

علی‌ای‌حال خبر از اینکه سرزمین کربلا قتلگاه و شهادتگاه اباعبدالله‌الحسین علیه السلام است قبلاً داده شده بود. این است که وقتی اباعبدالله علیه السلام با اهل بیت و اصحاب کرامشان به این سرزمین رسیدند، فرمودند اینجا قتلگاه ماست. [قبل از آن حرّ جلوی حضرت را گرفت و راه را بر حضرت سد کرد؛ ولی حضرت را متوقف نکرده بود و تحت‌الحفظ اجازه می‌داد حرکت کنند. با سپاهش، سپاه امام حسین علیه السلام را احاطه کرده بود تا اینکه به زمین کربلا رسیدند و از جانب ابن‌زیاد به حرّ دستور رسید که **جَمْعُ بِالْحُسَيْنِ**؛^۳

۳. ابن‌نماحلی، مثير الاحزان، ص ۴۸ و بلاذری، جمل من اتساب الاشراف، ج ۳، ص ۳۸۵ و ابن‌شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۹۶.

حسین را دیگر میخکوب کن و اجازه نده یک قدم هم حرکت کند. به هر حال آن نقطه‌ای که متوقف شدند، اباعبدالله علیه السلام از اهالی آنجا سؤال کردند که این سرزمین اسمش چیست؟ عرض کردند: اسم اینجا نینواست. حضرت پرسیدند: اسم دیگری هم دارد؟ عرض کردند: به این سرزمین غاضریه هم گفته می‌شود. حضرت فرمودند: دیگر چه اسمی دارد؟ عرض کردند: شاطی‌الفرات هم گفته می‌شود. حضرت فرمودند: اسم دیگری ندارد؟ پیرمردی که از اهالی آنجا بود و پاسخگوی حضرت بود، عرض کرد: چرا به اینجا کربلا هم گفته می‌شود. حضرت فرمودند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَرْبِ وَ الْبَلَاءِ**؛^۴ خدایا من به تو پناه می‌برم از اندوه و از بلا که این سرزمین، سرزمین اندوه و بلایا و مصائب است. بعد بنابه روایات فرمودند: **هَذَا مَوْضِعُ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ**؛ اینجا سرزمین اندوه‌ها و بلاهاست. **انزَلُوا هَاهُنَا مَحَطُّ رِحَالِنَا وَ مَسْفُكُ دِمَائِنَا وَ هُنَا مَحَلُّ قُبُورِنَا بِهَذَا حَدَّثَنِي جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ**؛^۵ فرمودند: از مرکب‌هایتان پایین بیایید. اینجا محلّ زانو زدن شترها و مرکب‌های ماست. اینجا محلّ ریخته شدن خون‌های ماست و اینجا محلّ قبور ماست. این‌گونه جدم رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به من خبر داده است.

باز به تعبیر دیگری که در روایات داریم، بعد از اینکه گفتند اینجا اسمش کربلاست، حضرت یک آهی کشیدند و فرمودند: **أَرْضُ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ!** زمین اندوه و بلا! **ثُمَّ قَالَ: قِفُوا وَ لَا تَرَحَّلُوا مِنْهَا**؛ فرمودند: متوقف شوید و از اینجا دیگر حرکت نکنید. **فَهَا هُنَا وَ اللَّهُ مُنَاحُ رِكَابِنَا**؛ به خدا سوگند اینجا محلّ زانو زدن شتران ما و خوابگاه مرکب‌های ماست. **وَ هَاهُنَا وَ اللَّهُ سَفْكَ دِمَائِنَا**؛ و به خدا سوگند اینجا محلّ ریخته شدن

۴. سیدبن طاووس، لهوف، ص ۸۱ و ابن‌نماحلی، مشیرالاحزان، ص ۴۹ و خوارزمی، مقتل، ج ۱، ص ۳۳۴ و محدث‌قمی، نفس‌المهموم، ص ۱۸۶.

۵. سیدبن طاووس، لهوف، ص ۸۱ و حائری، تسلیة‌المجالس، ج ۲، ص ۲۵۲ و ابن‌نماحلی، مشیرالاحزان، ص ۴۹ و محدث‌قمی، منتهی‌الامال، ج ۱، ص ۶۱۷.

۶. ابن‌عدیم، ترجمة‌الامام‌الحسین من بغیة‌الطلب، ص ۹۷.

خون‌های ماست **وَ هَاهُنَا وَ اللَّهُ هَتَكَ حَرِيمَنَا**؛ به خدا سوگند اینجا همان سرزمینی است که حریم ما مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرد؛ حرمت ما را زیر پا می‌گذارند و حریم ما را می‌درند. **وَ هَاهُنَا وَ اللَّهُ قَتْلُ رِجَالِنَا**؛ به خدا سوگند اینجا سرزمینی است که مردان ما در آن به شهادت خواهند رسید. **وَ هَاهُنَا وَ اللَّهُ ذَبْحُ أَطْفَالِنَا**؛ به خدا سوگند این همان سرزمینی است که اطفال ما در آن سر بریده و ذبح می‌شوند. **وَ هَاهُنَا وَ اللَّهُ تَزَارُ قُبُورِنَا**؛ به خدا سوگند اینجا همان سرزمینی است که قبرهای ما مورد زیارت قرار می‌گیرد. **وَ هَاهُنَا وَ اللَّهُ مَحْشَرْنَا وَ مَنْشَرْنَا**؛ به خدا سوگند این همان زمینی است که فردای قیامت ما از آنجا محشور می‌شویم. **وَ يَهْدِي الثَّرْبَةَ وَعَدَنِي جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ لَا خُلْفَ لِقَوْلِهِ**؛^۷ و به خدا سوگند جدم رسول الله ﷺ این‌گونه مرا وعده داد و سخن رسول الله ﷺ خلاف نخواهد شد. بعد همه‌ی اهل بیت را دور خود جمع کردند؛ فرزندان‌شان، برادران‌شان، همسران‌شان، خویشان‌شان، یک نگاهی به اینها کردند و شروع کردند به گریستن و به خدا عرضه داشتند: **اللَّهُمَّ إِنَّا عِتْرَةُ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ**؛ خدایا ما عترت پیامبر تو هستیم. **وَ قَدْ أُخْرِجْنَا وَ طُرِدْنَا وَ أُرْعَجْنَا عَنْ حَرَمِ جَدِّنَا**؛ ما را بیرون کردند؛ ما را طرد کردند؛ ما را از حرم جدمان پیامبر آواره کردند. **وَ تَعَدَّتْ بَنُوآمِيَةَ عَلَيْنَا**؛ و بنی‌امیه به ما تعدی کردند؛ به ما ظلم کردند. **اللَّهُمَّ فَخُذْ لَنَا بِحَقِّنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ**؛^۸ خدایا حق ما را از بنی‌امیه بگیر و ما را بر این قوم ستمکار نصرت عنایت کن. بعد رو کردند به اصحاب‌شان، برای اینکه بفرمایند این چیز غیرمترقبه‌ای نیست و می‌فهمیم چرا این‌گونه با ما ظالمانه رفتار خواهد شد، فرمودند: **النَّاسُ عبيدُ الدُّنْيَا وَ الدُّنْيَا لِعِقْق**

۷. حرعاملی، اثبات الهداة، ج ۴، ص ۵۲ (به نقل از ابومخنف کوفی، مقتل) و عروسی‌حویزی، نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۲۱ و قمی‌مشهدی، کنزالدقائق، ج ۱۰، ص ۲۷۷. با اندکی تفاوت در عبارات: **قفوا و لا تبرحوا و حطوا و لا ترحلوا، فهاننا و الله محط رحالنا و هاننا و الله سفك دماننا، و هاننا و الله محشروننا، و هاننا و الله محشروننا و منشروننا و بهذا وعدني جدي رسول الله صلى الله عليه و آله و لا خلاف لوعده.**

۸. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۳ و حائری، تسلیة المجالس، ج ۲، ص ۲۵۲ و خوارزمی، مقتل، ج ۱، ص ۳۳۷ و مقرّم، مقتل،

عَلَى السِّتِّهِمْ يَحُوطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَالِ الدَّيَّانُونَ؛^۹ مردم بنده‌ی دنیا هستند و دین لقلقه‌ی زبان آنهاست؛ در وجودشان عمقی ندارد. يَحُوطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ؛ تا وقتی که زندگیشان برقرار است دور او می‌گردند؛ اما به محض اینکه با بلا آزموده می‌شوند، فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَالِ الدَّيَّانُونَ، آن روز دیگر دینداران بسیار اندک و قلیل خواهند شد. به محض اینکه دنیای آنها مورد تهدید قرار می‌گیرد یا طمع‌های دنیوی آنها را به سمت خودش جذب می‌کند، دست از دین برمی‌دارند؛ لذا چیز عجیبی نیست که این مردم با ما این‌گونه ظالمانه رفتار کنند.

نقل شده که همین عصر روز دوم ماه محرم، نامه‌ای از ابن‌زیاد رسید و در آن نامه ابن‌زیاد به امام حسین علیه السلام خبر داده بود که امیرالمؤمنین یزید برای من نامه نوشته و گفته که آرام نگیرم، نان سیر نخورم، تا اینکه تو را به قتل برسانم و یا اینکه به حکم من و حکم یزیدین معاویه گردن بنهی! حضرت از این نوشته بسیار دلشان به درد آمد! آن قاصدی که این پیام را از ابن‌زیاد آورده بود، خدمت حضرت عرض کرد که پاسخ نامه؟ حضرت فرمودند: **مَا لَهُ عِنْدِي جَوَابٌ لِأَنَّهُ قَدْ حَقَّتْ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ!**^{۱۰} این نامه جوابی ندارد؛ چرا که کلمه‌ی عذاب بر نویسنده‌ی این نامه تحقق پیدا کرده و او مستحق عذاب الهی است و پاسخی از جانب من ندارد.

علی‌ای‌حال از روز دوم محرم حوادث دردناکی روز به روز آغاز می‌شود. امیدوارم همان‌طور که انتظار می‌رود، واقعاً تک‌تک دوستان اهل بیت علیهم السلام این روزها همراه قافله‌ی حضرت زندگی کنند. شب سرشان را کنار خیمه‌های اهل بیت علیهم السلام بگذارند و بخوابند و روز دلشان همراه اهل بیت علیهم السلام باشد تا روز عاشورا

۹. سیدبن طاووس، لهوف، ص ۷۹ و خوارزمی، مقتل، ج ۱، ص ۳۳۷ و حائری، تسلیة‌المجالس، ج ۲، ص ۲۵۲ و ابن‌شعبه‌حرانی، تحف‌العقول، ص ۲۴۵.

۱۰. ابن‌اعثم‌کوفی، فتوح، ج ۵، ص ۸۵ و مقرّم، مقتل، ص ۲۰۲ و اربلی، کشف‌الغمه، ج ۱، ص ۵۸۹ و حائری، تسلیة‌المجالس، ج ۲، ص ۲۵۵.

که ان شاء الله همراه اصحاب اباعبدالله علیه السلام شهید شوند! شهید محبت! شهید عشق اباعبدالله الحسین علیه السلام.
گفت: باز این چه شورش است که در خلق عالم است! این گونه که نقل شده، ماه محرم که می آید یک
پرچم سیاه در عرش آویخته می شود و همه ی قدسیان، همه ی ملائکه ی مقرب خدا عزاداری می کنند.

در بارگاه قدس که جای ملال نیست سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است

مجلس عزایی در عرش الهی بر پا می شود و لذا موج غم بر روی این عالم نازل می شود و به همین دلیل
قلوب دوستان اهل بیت علیهم السلام که محبت اباعبدالله الحسین علیه السلام تکویناً در این قلوب جا دارد، محزون
است. امیدواریم همین غم مصائب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ما را شهید راه آنها کند و روز عاشورا
روز عاشورای همه ی ما باشد و ان شاء الله همه ی ما به آن حقیقت شهادت که مقام موت در راه خدای
متعال است از رهگذر عشق اباعبدالله الحسین علیه السلام و بزرگداشت ماتم و عزای آن امام عاشقان نائل
شویم.

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِاللهِ وَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِاللهِ^{۱۱}

۱۱. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۵ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۹۳ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۰۱.